

به خاطر می آورم چندی پیش با یکی از دوستان صحبت می کردم و به این نتیجه رسیدم که اگر به راستی فیض الهی شامل حال ما نمی شد واقعا چه سرنوشت هولناکی در انتظار ما بود؟ به راستی معنای فیض چیست؟ چطور می توانیم درک کنیم که فیض خدا چیست؟ برای درک صریح این موضوع خوب است به معنای کلمه " فیض "نگاهی دقیق ببینیم. بهتر است اول با کلمه " عدالت " شروع کنیم. عدالت کامل خدا ایجاب می کند که آن چه ما سزوارش هستیم دریافت کنیم، برطبق این عدالت جریمه گناهان ما، که قدوسیت خدا را لکه دار کرده است، باید پرداخته شود و این یعنی عدالت. پس عدالت یعنی دریافت آن چه سزوارش هستیم. کلمه دیگری که باید از آن یاد شود " رحمت " خدا است. ما درباره رحمت خدا زیاد شنیده ایم که خدا رحیم است و کلام خدا هم می گوید: تمام کارهای خدا توام با رحمت است. (مزمور ۹۵:۱۴). رحمت خدا یعنی چه؟ رحمت خدا یعنی دریافت نکردن آن چه سزوارش هستیم، یعنی ما که مستحق پرداخت جریمه گناه هستیم به نحوی مورد رحمت خدا قرار بگیریم و جریمه ای پرداخت نکنیم. "خدا با ما مطابق گناهان ما عمل نموده و آن چنان که سزوار بوده ایم، ما را به سزای اعمالمان نرسانده است." (مزمور ۱۰۳:۱). بهتر است به این نکته دقت کنیم که، عدالت خدا یعنی دریافت آن چه که سزوارش هستیم ولی چون خدا رحیم است رحمتش باعث می شود که آن چه سزوارش هستیم را دریافت نکنیم، ولی کلمه والاتر از " رحمت خدا"، " فیض خدا" هست. فیض خدا یعنی دریافت آن چه که سزوارش نیستیم. یعنی با توجه به این که گناهان ما مستوجب عدالت الهی است و باید جریمه گناهان ما، که دوری از خدا است، را بدهیم خدا به خاطر رحمت خویش ما را می بخشد و نه تنها می بخشد بلکه با فیض رایگان خودش به ما رستگاری و حیات جاودانی را که سزوار آن نیستیم نیز می دهد. پس فیض خدا، تنها منشا خیرخواهی و محبت خدا برای برگزیدگانش است. فیض خدا لطف ابدی و مطلق رایگان خدا است که با برکات روحانی و ابدی به کسانی که شایسته و سزوارش نیستند، داده شده است. خدا خودمختارانه فیض نجات بخش خودش را به کسانی که هیچ گونه شایستگی ندارند که به خاطر آن مستوجب دریافت فیض باشند، می دهد و به خاطر همین به هیچ وجه نمی شود چیزی در ازای آن پرداخت کرد. یعنی نه می توانیم فیض خدا را بخریم و نه می توانیم کاری انجام بدهیم که سزوار دریافت آن باشیم. چون اگر یکی از این راه ها باعث دریافت فیض خدا می شد دیگر نمی توانستیم به آن فیض خدا بگوییم. پس گیرنده فیض خدا نمی تواند در این باره هیچ ادعایی داشته باشد چون به هیچ وجه مستحق آن نبوده و نیست و فقط و فقط به خاطر بخشش خالص و رایگان خدا آن را دریافت می کند. یعنی آن شخصی که متوجه می شود که فیض خدا شامل حالش شده کاملا متوجه است که اصلا سزوار این بخشش نبوده و نیست و هیچ چیزی هم نمی تواند در ما به ازای آن بپردازد. " اگر از فیض خدا است دیگر بسته به اعمال انسانی نیست و اما اگر به اعمال انسان مربوط است دیگر فیض معنایی نخواهد داشت." (رومیان ۶:۱۱). لطف مطلق خدا نمی تواند به خاطر شایستگی انسان باشد چون همان طور که آب و روغن با هم یکی نمی شوند، فیض و اعمال انسانی هم نمی توانند با هم یکی شوند. با هم نگاهی به چند جنبه مختلف فیض خدا ببینیم: یکی از ماهیت های اساسی فیض خدا این است که فیض خدا ابدی است. یعنی از ازل در اراده و نقشه خدا وجود داشته، حتی قبل از این که به کسی داده شود. کلام خدا می گوید: " خدا ما را نجات داد و به یک زندگی مقدس دعوت کرد و این، در اثر اعمال ما نبود، بلکه بر طبق نقشه خود خدا و فیضی است که او از ازل در شخص مسیح عیسی به ما عطا فرمود. (دوم تیموتائوس ۱:۹). فیض خدا نه فقط ازلی و ابدی است بلکه همچنین رایگان نیز هست. ما نمی توانیم با انجام اعمال شریعت و شرکت در مراسم مذهبی فیض خدا را دریافت کنیم. " به سبب فیض خدا است که شما از راه ایمان ( رستگار شده) نجات یافته اید و این کار شما نیست بلکه بخشش خدا است. این نجات نتیجه اعمال شما نیست، پس هیچ دلیل وجود ندارد که کسی به خود ببالد." (افسسیان ۲: ۸-۹). و باز کلام خدا می گوید: " او ما را نجات داد، اما این نجات به

خاطر اعمال نیکویی که ما کردیم نبود، بلکه به سبب رحمت او و از راه شستشویی بود که به وسیله آن، روح القدس به ما تولد تازه و حیات تازه بخشید. تا به وسیله فیض او کاملاً نیک محسوب شده و مطابق امید خود وارث حیات جاودانی گردیم." (تیتس ۵: ۳ و ۷).

" با فیض خدا همه به وساطت عیسی مسیح که ما را آزاد می سازد، به طور رایگان ، نیک و رستگار محسوب می شویم." (رومیان ۳: ۲۴). و بالاخره فیض خدا با خود مختاری خود خدا است. یعنی خدا ، فیض خودش را به هر کس که خودش بخواهد و مطابق میل خودش می دهد و هیچ وابستگی به گیرنده ندارد. توجه کنید که کلام خدا در این باره می گوید: گناه به وسیله یک انسان به جهان وارد شد و این گناه مرگ را به همراه آورد. در نتیجه ، چون همه گناه کردند ، مرگ همه را در بر گرفت. پس همان طور که گناه به وسیله مرگ ، انسان را تحت فرمان خود در آورد فیض خدا نیز به وسیله نیکی مطلق فرمانروایی می کند ( یعنی فیض... تحت فرمان خدا است نه هیچ کس دیگر) و ( این فیض ) ما را به وسیله خداوند ما عیسی مسیح به حیات جاودان هدایت می کند. (رومیان ۵: ۱۲ و ۲۱). واقعا چه عالی است که فیض حکمرانی می کند و ما می دانیم کسی که بر مسند فرمانروایی نشسته خود مختار است. پس چون فیض، لطف رایگان خدا است باید آزادانه و طبق خودمختاری خود خدا هم به کار برده شود. خدا در کلامش می گوید : من خداوند هستم و رحم و شفقت می کنم بر هر کس که بخواهم. (خروج ۳۴: ۱۹). رستگاری و حیات جاودان هدیه ای است از طرف خدا، پس نه می شود کاری انجام داد که سزاوار این فیض شد نه این که می توانیم بگوییم که حق ما است و باید به ما داده شود. وقتی به این نکته توجه داشته باشیم در آن صورت چه کسی جرات می کند بگوید که خدا این هدیه را به چه کسی بدهد و به چه کسی ندهد! البته مساله این نیست که خدا فیضش را از کسی که از ته دل در آرزوی نجات و رستگاری است و طبق اراده خدا در جستجوی خداوند است مضایقه و دریغ کند. خدا هرگز کسی را که از ته دل با دست خالی و طبق راه خدا به او روی می آورد از فیض محروم نخواهد کرد. اما زمانی که به این دنیا نگاه می کنیم می بینیم که بیشتر مردم سرکش و یاغی هستند، مخالف خواست و اراده خدا زندگی می کنند و حاضر به توبه هم نیستند، حال چطور می توانیم انتظار داشته باشیم که خدای قدوس و عادل به غیر از کسانی که خودش آن ها را در نظر دارد فیضش را عطا کند؟! خدا تحت هیچ شرایطی مجبور نیست که فیض رایگان را به کسانی بدهد و یا حتی تحمیل کند که ارزش این هدیه گرانها را نمی دانند. آیا خدا مجبور است کسانی را که به راه های کج خود می روند و هیچ توجهی به هشدارها و یادآوری های خدا ندارند ، نجات بدهد؟ مسلماً خیر. خدا برخلاف شخصیت الهی خویش عمل نخواهد کرد و فیض خودش را به کسی تحمیل نخواهد نمود. نکته جالب این است که هیچ چیز دیگر بیشتر از این که فیض ابدی و رایگان خدا با خودمختاری خدا توأم است ، دشمنی درونی بشر گناهکار را تحریک و برانگیخته نمی کند. برای ما سخت است که بپذیریم که خدا از ازل اراده ی خودش را بدون در نظر گرفتن و مشورت با انسان طرح ریزی کرده باشد. ما نمی توانیم به هیچ وجه فیض رایگان خدا را با سعی و کوشش انسانی خود به دست بیاوریم، این موضوع که فیض رایگان خدا به کسانی که مورد لطف خدا قرار می گیرند داده می شود باعث اعتراض شدید بشر مغرور و سرکش است. مخصوصاً کسانی که فکر می کنند انسان های خوبی هستند یا حداقل زیاد بد نیستند. این که یک شخص گناهکار و یاغی عدالت خدا را زیر سوال می برد درست مانند این است که گل به کوزه گر اعتراض می کند که چرا مرا این گونه ساخته ای؟! در کتاب مقدس نمونه های جالب زیادی داریم در مورد این که فیض الهی با خود مختاری خدا است و نه به دلخواه ما. برای مثال این فیض الهی بود که خدا ، جد ما ، ابراهیم را از میان مردم خدا شناس و بت پرست انتخاب کرد تا دوست خدا یا خلیل الله بشود و از طریق او بشر گناهکار را برکت بدهد. این فیض خدا است که گناهکاران و باجگیران را رستگار می کند ولی به مذهبونی که فکر می کردند به خاطر سعی و کوشش انسانی خودشان مورد نظر خدا هستند ، می گوید : آن ها را به حال خودشان بگذارید. (متی ۱۵: ۱۴). نمونه خوب دیگر فیض رایگان خدا در شائول طرسوسی است. شائول یک مذهبی تندرو بود که از تهدید و کشتن پیروان عیسی مسیح به هیچ

نحوی دست بردار نبود. (اعمال رسولان ۱:۹). وقتی که در راه دمشق با یاران زیادی برای دستگیری و شکنجه و آزار مسیحیان می رفت با عیسای مسیح خداوند ملاقات کرده و فیض رایگان خدا شامل حال این یهودی خدا شناس می شود و وقتی با فیض رایگان الهی لمس می شود ، رستگار شده و حیات جاودان به دست می آورد. شائول که بعد از این ماجرا به پولس معروف می شود نهایتاً به خاطر ایمانش به عیسای مسیح خداوند اعدام شده و سر او را با شمشیر می زنند. اما همان طور که شائول ، ملقب به پولس با تمام سعی و کوشش مذهبی خویش و غیرتی که برای مذهب خودش داشت تا آن جا که مسیحیان را به کشتن می داد، نتوانست رستگاری خودش را از طریق شریعت به دست آورد، بلکه تنها و تنها به خاطر فیض خدا نجات یافت، شما هم می توانید امروز از همان فیض رایگان خدا بهره مند شوید و با ایمان به عیسای مسیح به عنوان نجات دهنده و خداوند خود صاحب حیات جاودان شوید. پولس رسول در کلام خدا می گوید: به وسیله ی فیض خدا آن چه امروز هستم ، هستم و فیضی که او نصیب من گردانید بیهوده نبود، زیرا من از همه ی ایشان بیشتر زحمت کشیدم گر چه واقعا من نبودم بلکه فیض خدا بود که با من کار می کرد. (اول قرنیتان ۱۵:۱۰). فیض رایگان خدا توسط عیسای مسیح خداوند به طور کامل به ما مکشوف شده است. " شریعت به وسیله ی موسی عطا شد اما فیض و راستی توسط عیسای مسیح آمد. " حالا که می بینیم که خدا فیض را بعد از شریعت آورد ، آیا امکان دارد که خدا دوباره به عقب برگردد و شریعت دیگری را بفرستد؟ شریعتی که متکی به سعی و کوشش انسانی است؟ و ما می دانیم که با سعی و کوشش انسانی غیر ممکن است که خدای قدوس و عادل را راضی و خشنود کنیم. زمانی که فیض آمد ، آن هم فیض رایگان الهی، دیگر احتیاجی نیست که به شریعت متوسل شویم، شریعتی که در آن امکان رستگار شدن نیست. حتی ایمان دارانی که قبل از جسم گرفتن عیسای مسیح زندگی می کردند به شریعت متوسل نشدند بلکه با ایمان به فیض الهی که در مسیح موعود ظاهر می شد رستگار شدند. من جلال خدا را در جایی می بینم که شخص نالایقی مانند من را از فیض رایگان بهره مند ساخت در حالی که سزاوار آن نبودم. شما چطور؟ آیا مایل هستید که خالصانه و فروتنانه به حضور خدا بیایید و از او بخواهید که تا فیض عظیم او شامل حال شما نیز بشود؟ او قول داده است که هرکس به خداوند روی بیاورد نجات خواهد یافت. (رومیان ۱۰:۱۳). کلام خدا می گوید: همان طور که یک گناه (یعنی گناه آدم) موجب محکومیت همه ی آدمیان شد (چون او نماینده ما بود، همین طور) یک عمل کاملاً نیک نیز باعث تبرئه و حیات همه می باشد و چنان که بسیاری در نتیجه ی سرپیچی یک نفر (یعنی آدم) گناهکار گشتند، به همان طریق بسیاری هم در نتیجه ی فرمانبری و اطاعت یک نفر (یعنی عیسای مسیح) ، کاملاً نیک محسوب خواهند شد. شریعت آمد تا گناهان را افزایش دهد اما جایی که گناه افزایش یافت فیض خدا به مراتب بیشتر گردید. (رومیان ۵: ۱۸-۲۰). پس نباید فراوانی مهر و بردباری و صبر خدا را ناچیز بشماریم. (رومیان ۲:۴). ما اکنون می دانیم که منظور مهربانی خدا این است که ما توبه کنیم ، یعنی یک توبه حقیقی و ایمان بیاوریم به عیسای مسیح تا فیض رایگان او شامل حال ما گردد و جز مقدسین قرار بگیریم.